

مصاحبه اختصاصی بایکی از اعضای کانون صنفی معلمان تهران

آژانس ایران خبر

شنبه بیست سوم شهریور ۱۳۸۷

با تشکر فراوان به خاطر وقتی که به ما دادید به عنوان اولین سوال میخواستم بپرسم که:

شما خودتان به عنوان کانون صنفی معلمان، عملکرد معلمان را در دو سال گذشته چطور ارزیابی می کنید و در مقابل، عملکرد آموزش و پرورش چگونه بوده است؟
*ب.ر: کانونهای صنفی در بنیاد کارشان مبارزه با حکومت برای به دست گرفتن قدرت نیست، انتظار معلمان هم از کانونها این نیست که برای دگرگونیهای سیاسی



و کوتاه مدت کارکنند، قدرت کانونها و توان آنان تنها در چهارچوب حکومت و قوانین کشوری می باشد، و اندیشه روشن فکر ترین معلمان فعال صنفی این است که تعلیم و تربیت کشور روبه انحطاط است و بزرگترین دلیل آن هم دلسردی معلمان به خاطر آشفتگی ذهنی آنان بر سر معیشت است. لذا کانونها برای بر طرف کردن این بزرگترین مشکل یعنی مشکلات معیشتی معلمان سپس آرامش فکری معلمان و پیش گیری از انحطاط و انحراف آموزش و پرورش تلاش می کنند.

پشتیبانی معلمان هم تا اینجای کار خوب بوده است، و بیش از این هم کانونها انتظار ندرند، زیرا معلم زندگی اش به دولت وابسته است و نمیتواند با دولت مبارزه غیرقانونی بکند، معلم خودش عضوی از دولت است. اما عملکرد آموزش و پرورش را نمیشود یکجا در باره اش قضاوت کرد تنها بخش کوچکی به نام حراست است آنهم شمار اندکی از آنان برخوردهای تنیدی با ما دارند. درد ما درد کارمندان آموزش و پرورش هم هست، آنها هم باما همراه هستند.

از سال ۸۶ واکنش معلمان نسبت به عدم تعهدهای آموزش و پرورش شکل دیگری گرفت، به نظر شما برای تداوم این حرکتها چه اقداماتی باید انجام داد، اگر در این رابطه نظر دیگری دارید برای مخاطبان ما بیان کنید؟

ب.ر: نه تنها معلمان بلکه بیشتر مردم ایران از این شیوه اجرای قانون به شدت عصبانی هستند، وعده های دروغین بسیاری شنیده اند، اهانت های بسیاری شنیده اند، بسیار خورد و کوچک شده اند، مردم و معلم ها نیاز به پشتیبانی دارند، آگاهی و اطلاع رسانی را باید به درخانه ها و جلوی چشم مردم برد، مردم خسته و نگران آینده هستند، دست و دلشان به هیچ کاری نمی رود، ناامید و سرخورده هستند. بیشترین کمکی که می شود کرد آگاهی رسانی است و دعوت به وحدت، کوچکترین پیروزی ملت را باید به آگاهی همه رساند. تکنولوژی رسانه ای هم بیشترین کمک را می تواند به آنان بکند. بهترین کمک رادیو و ماهواره و سایت و بلاگ است. ارزان شدن هزینه های ارتباط و در دسترس بودن برای همگان کمک بزرگی می تواند به یکپارچگی مردم بکند.

شاهد احکام متعددی برای معلمان بودیم، از دستگیری و احضار و.... ناظرین بر این عقیده اند که سرکوبها به دلیل بی کفایتی وزیر آموزش و پرورش است، نظر شما در این رابطه چیست؟

ب.ر: بیشتر کسانی که در این کشور پستی دارند، می خواهند آنرا به هر قیمتی که شده حفظ کنند، حتی به قیمت محرومیت مردم و نابودی آینده ی و به حراج گذاشته شدن کشور، این بی کفایتی نیست، این جاه طلبی است. بی کفایتی این است که کسی بخواهد کاری بکند اما نتواند، اما اینها اصلا نمی خواهند کاری بکنند، زیرا از افتادن از روی کرسی قدرت به شدت نگران هستند. دیده شده که افرادی با اندکی تغییر پست سکنه کرده اند. کسانی که در قدرت هستند، بسیار گزینشی هستند، ورود به قدرت بسیار سخت است و افتادن بسیار آسان، این سبب کم کاری و بهتر است بگویم بیکاری و نمادین بودن قدرت و پست است. آنها فقط عروسک می خواهند. عروسک بسیار است و عروسک گردان اندک. عروسک گردان هم خوب کارش را انجام نمی دهد، خوب عروسک گردانی نمی کند.

به نظر شما دولت به خواسته های معلمان پاسخی داده است؟

ب.ر: دولت خاتمی زودتر و دولت احمدی نژاد دیرتر فهمیدند، که حق با معلمان است، ولی بالاخره فهمیدند. اما از دید خودشان نمیخواهند برای معلمان و سایر اقشار جامعه جا بیفتند که تنها راه رسیدن به خواسته ها اعتراض تجمع و اعتصاب است. پاسخ داده اند، اما برنامه ریزی و توانشان بیش از این نیست. همه چیز خرج باج به کشورهای بزرگ و کوچکی مانند روسیه، چین، سوریه و لبنان می شود. بطور غیر مستقیم هم توجه کرده اند، برای نمونه برکنار کردن فرسیدی یکی از خواسته های معلمان بود که عملی شد، اما کمی دیر.

انتظار معلمان از دولت چیست؟

ب.ر: کاهش نرخ تورم، استاندارد شدن مدارس هم از دید کمی و هم از دید کیفی. البته به این آرزویشان نمی رسند، به همین زودی شاید نزدیک به صد سال دیگر.

دولت در مقابل خواست معلمان، احمدی را جانشین وزیر قبلی کرد، به نظر شما این اقدام درست بود، عملکردهای احمدی در این مدت چه بوده و آیا معلمین به خواسته های خودشان رسیده اند؟

ب.ر: مشکل فرد نیست، مشکل سیستم مدیریت کشور است، که انحصاری است. مشکل کمبود شدید بودجه است. وقتی بودجه نباشد، قویترین اندیشه هاهم حاکم باشد کاری نمی توان کرد. مدیران باید دوا بزار برای رساندن سازمان به اهدافش داشته باشند ۱- امکانات ۲- اختیارات. که ما هیچکدام را نداریم.

اگر موافق باشید کمی از فضای آموزش و پرورش فاصله بگیریم، سوالی که می خواستم از شما بپرسم در رابطه با افت تحصیلی دانش آموزان است، به نظر شما علت این همه افت تحصیلی و ترک تحصیل چه می تواند باشد؟

ب.ر: آموزش و پرورش بخشی از جامعه است، آموزش و پرورش نمی تواند کاری فراتر از جامعه انجام بدهد، آموزش و پرورش و خانواده دوبرال پرنده ای به نام جامعه هستند. دانش آموز هم که عضو کوچکی از خانواده است. خانواده حکم یک درخت را دارد، وقتی خانواده فقیر باشد، یعنی به این درخت آب و مواد غذایی نرسد، هرچه نور خورشید به این درخت بدهیم چه سودی دارد؟؟؟

نور و آب و اکسیژن و مواد غذایی باید یکسان به درخت داده شود تا رشد کند. اگر یکی از اینها کم بشود در یک جایی اثر خود را نشان خواهد داد. و بخشی از درخت دچار نقصان خواهد شد. جامعه ی فقر گفتارش، رفتارش، شخصیتش، اندیشه اش، غیرتش، شجاعتش، اراده اش، پشتکارش، و همه چیزش فقیرانه خواهد شد. انسان موجودی است که به شدت تحت تاثیر جسم است، اگر به یک نفر غذای کافی داده نشود بیمار میشود، همه ی آرزویش منحصر در فراهم کردن غذا می شود،

همه ی اندیشه و فکر به سمت این می‌رود که چگونه لقمه ای نان بدست آورد تا زنده بماند. شکم گرسنه افکار بشر دوستانه ندارد، که هیچ برعکس بشر را دشمن خود خواهد پنداشت زیرا همنوعان را مسبب بدبختی خود خواهد دانست، تا اندازه ای هم این طرز تفکر درستی است. از دیدمن باز هم مشکل از فقر است.

فرمانده نیروی انتظامی تهران اعلام کرد عامل بزهکاری ترك تحصیل است، اما صاحب‌نظران بر این عقید اند که علت اصلی ترك تحصیل فقر است، نظرشما به عنوان يك معلم که حتما شاهد نمونه هایی از این قبیل هستید چیست؟ به نظر شما برای پایان دادن به این بحران چه اقداماتی می توان کرد؟

ب.ر: در این مملکت هرکس به راحتی به خود اجازه می دهد به جای دیگران نظر بدهد و نظرش را هم اعمال کند. اینکه عامل بزهکاری چیست؟ کارنیروی انتظامی نیست، کار متخصصین تعلم و تربیت است. کارجامعه شناسان است، در بالا عرض کردم من هم با نظر شما کاملا موافق هستم که علت بسیاری از مشکلات جامعه فقر است. می گویند ایمان به خدا سبب کاهش بزهکاری می شود، اما ضرب المثلی هست که می گوید، "شکم گرسنه خدا را نمی شناسد."

آیا آموزش و پرورش تا بحال برای این کودکان، برنامه ای در نظر گرفته است یا خیر؟ چرا؟

ب.ر: متولیان آموزش و پرورش ایران فقط دنبال پرورش طوطی هستند؛ و می خواهند از انسان طوطی بسازند. آموزش و پرورش بیشترکشورهای دنیا برنامه ریزی می کنند که طوطی ها را نیز آدم کنند، آموزش و پرورش ایران برنامه ریزی می کند که آدمها را طوطی بار بیاورد.

به عنوان آخرین پرسش می‌خواستم بپرسم که با توجه به نزدیک شدن مهرماه وبازگشایی مدارس اصلی ترین مشکلاتی که هم معلمان و هم دانش آموزان با آن مواجه هستند چیست؟ آیا خانواده هایی که برای ثبت نام مراجعه می کنند قادرکه پرداخت شهریه و ... هستند؟؟

ب.ر: اصلی ترین مشکل همه این است که آیا فردا برق هست یا نه!!

آیا فردا نان هست یا نه!!

آیا فردا (سر هیچ) بوسیله ی بسیجی ها دستگیر خواهندشد، یا نه!!

آیا فردا کوپن قند و شکر و روغن و برنج و.... اعلام خواهد شد یا باید مانند روزهای دیگر با فلاکت زندگی کنند!!
وهزاران توهم دیگرکه ویژه ی انسانهای فقیراست. انسان فقیربه همه چیزفکر میکند بجزواقعیات. از دید من اگر انسانهای فقیر مانند ژول ورن دنبال داستان نویسی (تخیلی صرف نه رمانهای علمی تخیلی) بروند، موفق تر خواهندبود. تا منتظر این باشند که مسئولین این مملکت برای رهایی آنان از دست دیو فقر و فلاکت و مرگ تدریجی کاری بکنند.

با تشکر از شما، سپاسگزاریم از وقتی که به ما اختصاص دادید.

موفق و پیروز باشید.

* بنا به درخواست ایشان، از ذکر نام خودداری میکنیم.

آژانس ایران خبر INA خیرگزاری

آژانس ایران خبر ۱۳۸۷/۶/۲۰